رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۴، شماره پیاپی ۷۳، تیر ۱۴۰۱
*Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(4), 2022*

# رابطه والدگری مستبدانه و اختلال سلوک با میانجی‌گری عزت نفس در نوجوانان پسر مقیم کانون اصلاح و تربیت

# The relationship between authoritarian parenting and conduct disorder mediated by self-esteem in adolescent boys living in correction and rehabilitation centers

**محمود رضا مستقیمی**
دانشجوی دکترای روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روانشناسی کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
**منصوره شهریاری احمدی**(نویسنده مسئول)
استادیار روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، استادیار گروه روانشناسی عمومی-استثنایی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاداسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
**مجتبی امیری مجد**
دانشیارگروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

**Mahmoudreza Mostaghimi**
PhD student in Exceptional children psychology and education, Departman of Exceptional Children Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
**Mansoureh Shahriari Ahmadi***
Assistant Professor of Exceptional Children and General Psychology, Faculty of Psychology and Educalional Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
*mansure_shahriari@yahoo.com*
**Mojtaba Amiri Majd**
Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه والدگری مستبدانه و اختلال سلوک با میانجی‌گری عزت نفس در نوجوانان پسر مقیم کانون اصلاح و تربیت انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-مقطعی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری شامل تمامی نوجوانان پسر کانون‌های اصلاح و تربیت استان‌های کرمان، یزد و هرمزگان و یکی از والدین آن‌ها در سال ۱۴۰۰ بودند، در این پژوهش ۱۸۰ نمونه به روش در دسترس مشارکت داشتند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی، پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات (SDQ) (گودمن، ۱۹۹۷)، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (BPSQ) (بامریند، ۱۹۷۱) و پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت (CSEI) (کوپراسمیت، ۱۹۶۷) انجام شد. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مسیر بود. نتایج بوت استرپ نشان داد که اثرات مستقیم والدگری مستبدانه بر عزت نفس (β=-۰/۲۱۶)، والدگری مستبدانه بر اختلال سلوک (β=۰/۴۲۴)، عزت نفس بر اختلال سلوک (β=-۰/۷۴۷) معنادار است (P<۰/۰۵). همچنین نتایج نشان داد اثر غیرمستقیم والدگری مستبدانه با میانجی‌گری عزت نفس بر اختلال سلوک (β=۰/۱۶۱) نیز معنادار است و نقش میانجی جزئی دارد (P<۰/۰۵). نتایج دیگر نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار است. والدگری مستبدانه یک عامل منفی بر عزت نفس نوجوانان است که می‌تواند نقش موثری بر مشکلات سلوک نوجوانان داشته باشد، بنابراین جهت پیشگیری از مشکلات سلوک در نوجوانان می‌بایست به بهبود مهارت‌های فرزندپروری والدین توجه شود.

***واژه‌های کلیدی:*** *والدگری مستبدانه، اختلال سلوک، عزت نفس، نوجوانان*

## Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between authoritarian parenting and conduct disorder mediated by self-esteem in male adolescents living in correction and rehabilitation centers. The present study is a cross-sectional analysis of path analysis. The present study is a cross-sectional analysis of path analysis. The statistical population of the present study included all adolescent boys in correction and rehabilitation centers in Kerman, Yazd, and Hormozgan provinces and one of their parents in 2020 years, in this study, 180 samples participated by convenience sampling. Data were collected using the Demographic Information Questionnaire, Strengths and Difficulties Questionnaire; SDQ (Goodman, 1997), Baumrind Parenting Styles Questionnaire; BPSQ (Baumrind, 1971)) and Coopersmith Self-Esteem Inventory; CSEI (Coopersmith, 1967) was performed. Data analysis was done by the path analysis method. Bootstrap results showed that the direct effects of authoritarian parenting on self-esteem (β=0.226), authoritarian parenting on conduct disorder (β=0.424), and self-esteem on conduct disorder (β=-0.747) are significant (P<0.05). The results also showed that the indirect effect of authoritarian parenting mediated by self-esteem on conduct disorder (β= 0.161) is significant and has a partial mediating role (P<0.05). Other results showed that the proposed model has a good fit. Authoritarian parenting is a negative factor on adolescents' self-esteem that can play an effective role in adolescent conduct problems, so to prevent conduct problems in adolescents, attention should be paid to improving parenting skills.

***Keywords:*** *Authoritarian parenting, Conduct disorder, Self-esteem, Adolescents*

**نوع مقاله : پژوهشی** **دریافت : دی ۱۴۰۰** **پذیرش: اسفند ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی: تیر ۱۴۰۱**

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

## مقدمه

دوره نوجوانانی با تغییرات گسترده روانشناختی و جسمانی همراه است؛ که نیازمند توجه و مراقبت‌های ویژه‌ای است (جوزف[۱] و همکاران، ۲۰۱۴). ابن دوره به دلیل اهمیتی که در شکل‌گیری «هویت» دارد، بسیار مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است (ارنتایته[۲] و همکاران، ۲۰۱۸). پژوهش‌های انجام شده بیانگر این هستند که سبب تغییرات بلوغ، رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان شایع می‌شود و به یکی از مسائل مهم در بهداشت روان آن‌ها تبدیل می‌شود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به اینکه اختلال‌های رفتاری همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، هرگونه تلاشی که در زمینه شناسایی و تشخیص، پیشگیری، کنترل و درمان صورت گیرد و بهداشت روانی جامعه را ارتقاء بخشد ارزشمند است (ویز[۳] و همکاران، ۲۰۰۵).

مسیر نوجوانان در مراحل رشد تا رسیدن به سن بلوغ، درمعرض خطراتی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل خطرساز اختلال سلوک[۴] است که در دوران رشد از نشانه‌های کج‌روی و بزه‌کاری کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود (فریک[۵]، ۲۰۱۶). اختلال سلوک یکی از متداول ترین اختلالات دوره کودکی و نوجوانی است. این اختلال به‌طور قابل ملاحظه ای به کنش وری روانی- اجتماعی کودک و نوجوان در منزل، مدرسه و اجتماع آسیب می رساند. این الگوی رفتاری با آشفتگی های عاطفی جدی و سازش نایافتگی اجتماعی، رفتارهای پرخاشگرانه، ضعف در عملکرد تحصیلی، عزت نفس پایین، نارسایی در مهارت های اجتماعی کلامی و غیر کلامی و ناتوانی در حل مساله همراه گردیده و تصویر پیچیده ای از اختلال سلوک نمایان می سازد (انجمن روانپزشکی آمریکا[۶]، ۲۰۱۳). از آنجا که عدم تشخیص و کنترل این اختلال می‌تواند منجر به اختلال شخصیت ضد اجتماعی[۷] شود و موجب ارتکاب جرم در بزرگسالی گردد، توجه به نشانه‌ها و رفع عوامل مؤثر در آن از اهمیت بالایی برخوردار است (آزودو[۸] و همکاران، ۲۰۲۰).

دلایل متعددی برای بزهکاری وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مسائل مربوط به علل خانوادگی، ویژگی‌های شخصیتی و شناختی بزهکار، نابسامانی‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، ویژگی‌های خاص جوامع زندگی شهری مانند توسعه صنعتی، گسترش غیراصولی شهرها و برخورد با اقوام مختلف اشاره کرد (فریک[۹]، ۲۰۱۶). برخی از پژوهشگران به عوامل خانوادگی و گروه همسالان و سبک‌های والدگری به عنوان عوامل تأثیرگذار بر چگونگی رفتار کودکان و نوجوانان اشاره داشته‌اند (جانسن[۱۰] و همکاران، ۲۰۱۷؛ . سیمونز و ساتون[۱۱]، ۲۰۲۱). شیوه‌های فرزندپروری عاملی تعیین کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند (چن و کو[۱۲]، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش چری[۱۳]و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد نوجوانانی که با هر دو والد خود زندگی می‌کردند، رفتارهای پرخطر کمتری داشتند. هم‌چنین نوجوانانی که والدین مقتدر داشتند در مقایسه با آن‌هایی که والدین مستبد داشتند، کمتر درگیر رفتارهای پرخطر بودند. همچنین پژوهش‌های پیشن نشان داده‌اند که والدگری مستبدانه یکی از عوامل موثر بر گرایش نوجوانان به بزهکاری و رفتارهای پرخطر است (شونگ[۱۴] و همکاران، ۲۰۲۰؛ جانسون، ۲۰۱۶).

همچنین بررسی مطالعات پیشین دلالت بر این دارد که فرزندپروری یکی از عوامل موثر بر کیفیت عزت نفس است، در واقع عزت نفس ایجاد شده در دوران کودکی پایه و اساس عزت نفس نوجوانی و بزرگسالان می‌شود (سینگ[۱۵]، ۲۰۱۷). یک مطالعه طولی که کودکان را از

1 Joseph
2 Erentaitė
3 Weisz
4 conduct disorder
5 Frick
6 American Psychiatric Association
7 antisocial personality disorder
8 Azevedo
9 Frick
10 Janssen
11 Simons & Sutton
12 Chan & Koo
13 Cherie
14 Xiong
15 Singh

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

بدو تولد تا ۲۷ سالگی دنبال کرد، نشان داد که کیفیت محیط خانه که شامل سبک فرزند پروری، تحریک شناختی و محیط فیزیکی در اوایل کودکی بود، عزت نفس فرد را در مراحل بعدی زندگی به طور قابل توجهی پیش بینی کرد (اورس[1]، ۲۰۱۷).

مطالعات مقطعی نتایج متفاوتی در مورد رابطه بین عزت نفس و سبک‌های فرزندپروری ارائه کرده اند (مقدم و همکاران، ۲۰۱۷؛ موگونی و موگونی[2]، ۲۰۱۴). مطالعه ای بر روی ۱۵۰ کودک دبستانی و والدین آن‌ها در ایران (مقدم و همکاران، ۲۰۱۷) و مطالعه دیگری در بین ۱۱۲ نوجوان ۱۶-۱۸ ساله رومانیایی و والدین آنها (موگونی و موگونی، ۲۰۱۴) انجام شد، رابطه مثبت معناداری بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و عزت نفس پیدا کرده است. علاوه بر این، هر دو مطالعه رابطه معناداری بین سبک فرزندپروری مستبدانه و عزت نفس پیدا نکردند. با این حال، موگونی و موگونی (۲۰۱۴) رابطه منفی بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و عزت نفس نوجوانان پیدا کردند؛ در حالی که مقدم و همکاران (۲۰۱۷) ارتباط معناداری پیدا نکردند.

با استفاده از یک رویکرد متفاوت، میلوفسکی[3] و همکاران (۲۰۰۸) عزت نفس شرکت کنندگان را بر اساس سبک‌های مختلف فرزندپروری مقایسه کردند. نتایج نشان داد که هر دو سبک فرزندپروری مادری و پدری بر عزت نفس فرزندان تاثیر دارد. دانش‌آموزانی که مادر مقتدری داشتند نسبت به سایر گروه‌ها به‌طور معنی‌داری عزت نفس بالاتری داشتند و پس از آن گروه‌های سهل‌گیر و مستبد قرار گرفتند. دانش‌آموزانی که پدر مقتدری داشتند نسبت به گروه‌های مستبد عزت نفس بیشتری داشتند، اما تفاوت معنی‌داری با پدر سهل‌گیر نداشتند. بنابراین، این مطالعه نشان می‌دهد که عزت نفس در بین دانش‌آموزان دارای والدین مقتدر بالاترین و در بین دانش‌آموزان با والدین غافل کمترین است. همچنین نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه بیش از سبک فرزندپروری مستبدانه، عزت نفس را تسهیل می‌کنند. این یافته ها با مطالعه دیگری در بین ۱۲۳۹ نوجوان ۱۱ تا ۱۵ ساله برزیلی مطابقت داشت که نشان داد فرزندان والدینی که پاسخگویی بالایی داشتند (سهل گیر و مستبد) عزت نفس بالاتری نسبت به فرزندان والدینی داشتند که پاسخگویی پایینی داشتند (اقتدارگرا و غفلت کننده). با این حال، این مطالعه نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نسبت به سبک فرزندپروری مقتدرانه برای عزت نفس مفیدتر است (مارتینز[4] و همکاران، ۲۰۰۷).

یکی از عواملی که می‌تواند با اختلال سلوک ارتباط داشته باشد، عزت نفس است. افرادی که دارای عزت نفس پایین می‌باشند در زندگی خود با مشکلات متعدد روبه رو خواهند شد (باری[5] و همکاران، ۲۰۰۳؛ ولز[6] و همکاران، ۲۰۲۰). دیدگاه فرد، در مورد خودش بسیار مهم است و انتقاد مداوم والدین، ممکن است به عزت نفس پایین و خشم مفرط در سنین بالاتر منجر شود که معمولاً در افراد مبتلا به اختلال سلوک رایج است (داس[7] و همکاران، ۲۰۱۲). عزت نفس به عنوان هسته مرکزی سازگاری اجتماعی[8] قلمداد می‌شود. یافته های تجربی جدید، ارتباط بین عزت نفس با عملکرد موثر و مطلوب را تایید کرده‌اند. بر اساس آمار منتشر شده، آسیب‌های روانی ـ اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر ایجاد و پیدایش انواع آسیب‌های روانی، فقدان مهارت‌های اجتماعی و پایین بودن عزت نفس بیان شده است (قنبری هاشم آبادی و مجرد کاهانی،۱۳۹۰). افرادی که عزت نفس بالایی دارند عموماً شادتر هستند و بیشتر از دوستی های نزدیک لذت می برند؛ در مقابل، عزت نفس پایین یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مشکلات عاطفی و رفتاری است و در انواع مشکلات رفتاری نوجوانان از جمله رفتارهای ضد اجتماعی دخیل است (ولز و همکاران، ۲۰۲۰). عزت نفس پایین در بسیاری از جمعیت های ضداجتماعی از جمله کودکان و نوجوانان با مشکلات رفتاری (باری و همکاران ۲۰۰۳)، نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک (گلس[9] و همکاران، ۲۰۱۱) و مجرمان جوان (ماتسورا[10] و همکاران، ۲۰۱۰) گزارش شده است. علاوه بر مطالعات مقطعی که نشان داده است افراد ضداجتماعی سطوح پایین تری از عزت نفس نسبت به افراد معمولی در حال رشد نشان می دهند، مطالعات طولی نشان می دهد که عزت نفس پایین پیش بینی کننده مشکلات رفتاری بعدی و رفتارهای ضد اجتماعی است. به عنوان مثال، دونلان[11] و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که کودکان ۱۱

1 Orth
2 Mogonea and Mogonea
3 Milevsky
4 Martínez
5 Barry
6 Wells
7. Dadds
8. Social adjustment
9 Glass
10 Matsuura
11 Donnellan

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

ساله با عزت نفس پایین تا سن ۱۳ سالگی پرخاشگری بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین به طور مشابه، ترژسنیفسکی[1] و همکاران (۲۰۰۶) دریافتند، افرادی که در دوران نوجوانی عزت نفس پایینی داشتند نسبت به افرادی که عزت نفس بالایی داشتند در دوران بزرگسالی به احتمال بیشتری محکومیت کیفری دریافت می‌کردند.

بررسی مطالعات پیشین نشان داده است که مشکلات سلوک در نوجوانان مقیم کانون اصلاح و تربیت یک اختلال شایع است (فریک ، ۲۰۱۶)؛ بر این اساس بررسی نقش عوامل پیش‌بین آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان از نتایج آن در مداخلات پیشگیرانه و درمانی استفاده نمود. در مجموع می‌توان گفت که والدگری مستبدانه یک عامل موثر بر مشکلات سلوک و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان است، اما مطالعات دلالت بر این دارند که عزت نفش یک عامل محافظت کننده از مشکلات سلوک است. انجام مطالعات میانجی از اهمیت بالایی برخوردار است و نقش موثری در تدوین و اصلاح برنامه‌های درمانی دارد، بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه والدگری مستبدانه بر مشکلات سلوک با میانجی‌گری عزت نفس در نوجوانان مقیم کانون اصلاح و تربیت انجام شد.

## روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی به روش تحلیل مسیر است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی نوجوانان پسر کانون‌های اصلاح و تربیت استان‌های کرمان، یزد و هرمزگان و یکی از والدین آن‌ها با دامنه سنی ۱۶ تا ۱۲ سال در سال ۱۴۰۰ بودند، در زمان اجرای پژوهش۲۲۰ نوجوان را شامل می‌شود. در این پژوهش ۱۸۰ نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس مشارکت داشتند. رضایت آگاهانه نوجوانان و والد آن‌ها، حداقل محکومیت سپری شده یک ماه برای نوجوان، عدم معلولیت جسمانی نوجوان به‌عنوان معیارهای ورود و عدم تکمیل پرسشنامه‌ها و پرسشنامه‌های مخدوش به‌عنوان معیار خروج از پژوهش در نظر گرفته شد. سپس با اخذ مجوز از کانون های اصلاح و تربیت سه استان (کرمان، یزد و هرمزگان) تمامی نوجوانان مقیم در کانون ها در سالن اجتماعات کانون مستقر شدند. توضیحات لازم در مورد هدف از اجرای پژوهش و چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها توسط پژوهشگر و با تاکید بر عدم ذکر نام و مشخصات و هم چنین بیان محرمانه بودن، به آنها داده شد و با همکاری پرسنل کانون پرسشنامه‌ها در بین جامعه هدف توزیع و پس از مدت زمان مربوط به هر پرسش نامه پاسخ نامه‌ها جمع آوری شد. پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات و پرسشنامه رشد اخلاقی توسط نوجوانان و با همکاری روانشناسان کانون و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند توسط یکی از والدین تکمیل گردید. توضیح اینکه یکی از والدین در تاریخ های متفاوت و روزانه به تعداد ۱۰ نفر، پرسش نامه را با نظارت و اجرای کامل پژوهش گر، تکمیل کردند. جمع آوری داده ها در سال ۱۴۰۰ انجام شد. این پژوهش با شناسه IR.KMU.REC.1400.258 در کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی کرمان به تصویب رسیده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS و Amos نسخه‌های ۲۴ و روش تحلیل مسیر نجام شد.

### ابزار سنجش

**پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی:** این پرسشنامه شامل اطلاعاتی در زمینه سن، وضعیت تحصیلات نوجوانان و میزان تحصیلات والدین بود، که از اطلاعات مندرج موجود در پرونده نوجوانان مقیم در کانون های اصلاح و تربیت کرمان، یزد و هرمزگان استفاده شد.

**پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (BPSQ)**[2]: این پرسشنامه ۳۰ سوالی بر اساس نظریه های بامریند (۱۹۷۱) توسعه یافته است. این پرسشنامه مشتمل بر ۳۰ سوال است که سه سبک فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ عامل (۱=هرگز الی ۵=همیشه) نمره‌گذاری می‌شود، بنابراین دامنه نمرات در هر زیرمقیاس بین ۱۰ الی ۵۰ متغیر است و نمرات بیشتر نشان دهنده آن سبک فرزندپروری است. رابینسون[3] و همکاران (۱۹۹۵) روایی این پرسشنامه را به روش همگرا مورد بررسی قرار داد؛ نتایج نشان داد که فرزندپروری مقتدرانه والدین با رفتار مستقل (۰/۳۴)، هدفمند (۰/۴۲) و مسئولیت اجتماعی (۰/۴۵) ارتباط مثبت داشت و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با رفتار دوستانه و مشارکتی ارتباط منفی داشت. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه (۰/۷۸)، مستبدانه (۰/۷۹) و سهل‌گیرانه (۰/۷۷) گزارش شد. در نمونه ایرانی روایی این پرسشنامه به روش ملاکی مورد بررسی قرار گرفت؛ بین سبک فرزندپروری

1 Trzesniewski
2 . Baumrind Parenting Styles Questionnaire; BPSQ
3 . Robinson

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

مقتدرانه با نگرش مثبت به بزهکاری ارتباط منفی (۰/۲۰-) و بین سبک های فرزندپروری مستبدانه (۰/۱۹) و سهل‌گیرانه (۰/۲۰) با نگرش مثبت به بزهکاری رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه (۰/۷۳)، مستبدانه (۰/۷۲) و سهل‌گیرانه (۰/۷۰) قابل قبول گزار شده است (حسینی دولت آبادی و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر، ساختار عاملی پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی تاییدی بررسی شد و یافته‌ها نشان از برازش مطلوب داده‌ها با الگو داشت (X2/df =۱/۳۵، GFI =۰/۹۹، CFI =۰/۹۹، RMSEA =۰/۰۴). همچنین، در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۲ و زیرمقیاس‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه ۰/۷۳، ۰/۸۱ و ۰/۷۷ به دست آمد.

**پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات (SDQ)**[1]: این پرسشنامه ۲۵ سوالی توسط گودمن[2] (۱۹۹۷) برای سنجش مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان و نوجوانان برای چهار حیطه مشکلات سلوک (سوالات: ۱ الی ۵)، بیش‌فعالی (سوالات: ۶ الی ۱۰)، نشانه‌های هیجانی (سوالات: ۱۱ الی ۱۵) و مشکلات ارتباطی با همسالان (سوالات: ۱۶ الی ۲۰) و یک حیطه توانایی در انجام رفتارهای جامعه پسند (سوالات: ۲۱ الی ۲۵) طراحی شده است. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت سه عامل از نادرست است (نمره صفر)، تا حدودی درست است (نمره یک) و کاملا درست است (نمره دو) نمره‌گذاری می‌شود، بنابراین دامنه نمرات در هر زیرمقیاس بین صفر و ۱۰ است و نمرات بالاتر نشان دهنده مشکل در آن حیطه است. در این پژوهش از ۵ سوالی استفاده شد که مشکلات سلوک را اندازه‌گیری می‌کند. روایی نسخه اصلی این پرسشنامه به روش تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی قرار گرفته است و چهار عامل آن برازش بالایی داشته است (GFI =۰/۹۷، CFI =۰/۹۷، RMSEA =۰/۰۶) همچنین پایایی آن به روش همسانی درونی برای هر یک ار عوامل بین ۰/۷۳ الی ۰/۸۳ آلفای کرونباخ گزارش شده است (گودمن، ۱۹۹۷). این پرسشنامه در ایران در ۷۵۶ دانش‌آموز شهر شیراز اجرا شده است و روایی آن به روش تحلیل عاملی تاییدی، مورد تایید قرار گرفته است و پایایی آن به روش همسانی دورنی برای هر یک از زیرمقیاس‌های بین ۰/۷۱ الی ۰/۷۸ محاسبه شده است (غنی‌زاده و همکاران، ۲۰۰۷). در این پژوهش برای بررسی روایی زیرمقاس مشکلات سلوک، از روش تحلیل عاملی تأییدی به دست آمد که روایی آن مورد تائید قرار گرفت. (GFI =۰/۹۵، CFI =۰/۹۵، RMSEA =۰/۰۴). همچنین ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷۷ بدست آمد.

**پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت (CSEI)**[3]: این پرسشنامه (کوپراسمیت[4]، ۱۹۶۷) ۵۸ گویه دارد که ۸ گویه آن دروغ سنج است که به شیوه بله (نمره ۱) و خیر (نمره صفر) پاسخ داده می‌شود. این پرسشنامه دارای چهار خرده مقیاس عزت نفس شخصی (عمومی)، عزت نفس اجتماعی (همسالان)، عزت نفس خانوادگی و عزت نفس تحصیلی (مدرسه) است که دامنه نمرات در کل آزمون بین صفر الی ۵۸ است و نمرات بالاتر نشان دهنده عزت نفس بیشتر است. روایی این نسخه اصلی این پرسشنامه به روش تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی قرار گرفته است و چهار عامل آن برازش بالایی داشته است (GFI =۰/۹۵، CFI =۰/۹۷، RMSEA =۰/۰۴) همچنین پایایی آن به روش باز آزمایی با فاصله دو هفته برای کل پرسشنامه ۰/۷۳ گزارش شده است (کوپراسمیت، ۱۹۶۷). پایایی و روایی این پرسشنامه در نمونه ایرانی، بالا گزارش شده است که ضریب بازآزمایی بعد از پنج هفته ۰/۸۸ و بعد از یک سال ۰/۷۰ را نشان داده اند. هم چنین ضرایب اعتبار این آزمون با روش بازآزمایی پس از سه هفته برای دختران و پسران به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ گزارش شده است (شکرکن و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش برای بررسی روایی پرسشنامه، از روش تحلیل عاملی تاییدی به دست آمد که روایی آن مورد تایید قرار گرفت (GFI =۰/۹۶، CFI =۰/۹۵، RMSEA =۰/۰۵). همچنین، ضریب پایایی با استفاده از شاخص کودر ریچاردسون ۲۱ مقیاس عزت نفس در پژوهش حاضر ۰/۷۳ بدست آمد.

## یافته ها

در این پژوهش ۱۸۰ نمونه مشارکت داشتند؛ سن نوجوانان در میانگین و انحراف معیار ۳/۴۲ ± ۱۴/۴۸ سال قرار داشت؛ از نظر تحصیلات ۱۰۳ نفر (۵۷/۲۲ درصد) بی‌سواد، ۴۸ نفر (۲۶/۶۶ درصد) مقطع ابتدایی، ۱۸ نفر (۱۰ درصد) سیکل و ۱۱ نفر (۶/۱۱ درصد) در مقطع

1 . Strengths and Difficulties Questionnaire; SDQ
2 Goodman
3 . Coopersmith Self-Esteem Inventory; CSEI
4 .Coopersmith

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

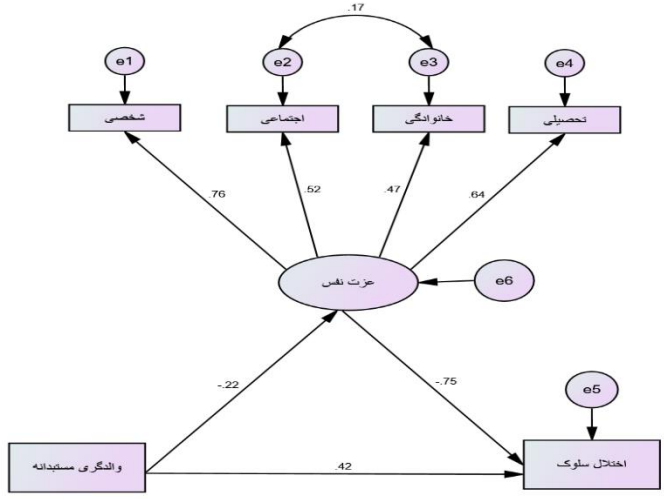
متوسطه بودند. در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و همچنین شاخص‌های کجی و کشیدگی جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و ضریب همبستگی پیرسون ارائه شده است.

**جدول ۱: یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش**

| متغیرها | اختلال سلوک | والدگری مستبدانه | عزت نفس |
|---|---|---|---|
| اختلال سلوک | ۱ | | |
| والدگری مستبدانه | ۰/۵۸۶** | ۱ | |
| عزت نفس | -۰/۷۱۶** | -۰/۱۸۳* | ۱ |
| میانگین | ۶/۴۱ | ۲۳/۳۴ | ۳۷/۱۸ |
| انحراف استاندارد | ۱/۳۲ | ۴/۴۵ | ۱۱/۰۹ |
| کجی | ۰/۳۰ | ۰/۳۲ | ۰/۱۴ |
| کشیدگی | ۰/۲۳ | -۰/۳۷ | -۰/۴۲ |

* P ‹ ۰/۰۵ **P ‹۰/۰۱

نتایج جدول ۱ بیانگر این است که شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش بین ۲ و ۲- است، همچنین ضریب نرمال بودن چندگانه (ضریب مردیا) ۰/۴۵- محاسبه شد. بنابراین داده‌ها دارای توزیع نرمال است. نتایج نشان داد که بین مشکلات سلوک و والدگری مستبدانه (r=۰/۵۸۶) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. اما بین مشکلات سلوک و عزت نفس (r=-۰/۷۱۶) ارتباط منفی و معنادار وجود دارد (P<۰/۰۵). یکی از پیش‌فرض‌های مهم در مدل‌های پیش‌بینی، شاخص تحمل (VIF) است که نشان می‌دهد متغیرهای پیشبین تا چه اندازه رابطه خطی با یکدیگر دارند و هرچه این شاخص نزدیک به ۱ باشد، میزان هم خطی کمتر است. در پژوهش حاضر مقدار این شاخص برای متغیرهای والدگری مستبدانه و عزت نفس ۱/۰۳ محاسبه شد؛ در صورتی که شاخص تورم بیشتر از ۱۰ باشد نشان دهنده هم‌خطی جدی بین متغیرها است. همچنین نتایج آزمون دوربین واتسون نشان داد که مقدار محاسبه شده (۱/۹۱) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد که نشان دهنده استقلال خطاها می‌باشد. شکل ۱، ضرایب مسیر و ضریب تعیین مدل را نشان می‌دهد.




**شکل ۱. ضرایب مسیر و ضریب تعیین مدل در حالت استاندارد**

همانگونه که در شکل ۱ نشان داده شده است، اثر مستقیم والدگری مستبدانه بر اختلال سلوک مثبت و بر عزت نفس منفی است؛ اما در مقابل اثر مستقیم عزت نفس بر اختلال سلوک منفی است؛ جهت بررسی معناداری این اثرات در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته شده است. جهت بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها در مدل پیشنهادی، از بوت استرپ استفاده شد، نتایج آن در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

**جدول ۲. اثرات مستقیم بر اساس آزمون بوت استرپ**

| متغیر | B | β | S.E. | t (C.R) | P |
|---|---|---|---|---|---|
| والدگری مستبدانه بر عزت نفس | -۰/۱۰۰ | -۰/۲۱۶ | ۰/۰۴۰ | -۲/۴۸۷ | ۰/۰۱۳ |
| والدگری مستبدانه بر اختلال سلوک | ۰/۰۸۴ | ۰/۴۲۴ | ۰/۰۰۹ | ۹/۳۷۷ | ۰/۰۰۱ |
| عزت نفس بر اختلال سلوک | -۰/۳۱۷ | -۰/۷۴۷ | ۰/۰۳۱ | -۱۰/۱۹۷ | ۰/۰۰۱ |

نتایج بوت استرپ نشان داد که اثرات مستقیم والدگری مستبدانه بر عزت نفس (β=-۰/۲۱۶)، والدگری مستبدانه بر اختلال سلوک (β=۰/۴۲۴)، عزت نفس بر اختلال سلوک (β=-۰/۷۴۷) معنادار است دارد (P<۰/۰۵). در ادامه به بررسی نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین سبک والدگری مستبدانه و اختلال سلوک پرداخته شده است.

**جدول ۳. اثر غیرمستقیم عزت نفس در رابطه بین سبک والدگری مستبدانه و اختلال سلوک بر اساس آزمون بوت استرپ**

| متغیر | B | β | S.E. | t (C.R) | P |
|---|---|---|---|---|---|
| والدگری مستبدانه با میانجی‌گری عزت نفس بر اختلال سلوک | ۰/۰۳۲ | ۰/۱۶۱ | ۰/۰۵۸ | ۲/۴۶۰ | ۰/۰۱۲ |

همچنین نتایج نشان داد اثر غیرمستقیم والدگری مستبدانه با میانجی‌گری عزت نفس بر اختلال سلوک (β=۰/۱۶۱) معنادار است و نقش میانجی جزئی دارد (P<۰/۰۵). . به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، روابط بین متغیرها را با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری با برآورد حداکثر درست‌نمایی[1] (MLE) برآورد شدند، در جدول ۴ شاخص‌های برازش پس از انجام یک اصلاح جزئی (ایجاد کوواریانس بین خطاهای عزت نفس خانوادگی و اجتماعی) ارائه شده است.

**جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل نهائی پس از اصلاح**

| شاخص‌های برازش | X2 | df | X2/dF | RMSEA | NFI | IFI | TLI | CFI |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مقادیر مشاهده شده | ۱۶/۴۷۵ | ۷ | ۲/۳۵۴ | ۰/۰۷۴ | ۰/۹۵۷ | ۰/۹۷۵ | ۰/۹۴۴ | ۰/۹۷۴ |
| حد قابل قبول | - | - | کمتر از ۳ | کمتر از ۰/۰۸ | بیشتر از ۰/۹۰ | بیشتر از ۰/۹۰ | بیشتر از ۰/۹۰ | بیشتر از ۰/۹۰ |

اعتبار یک مدل را می‌توان بر اساس شاخص‌های نیکویی برازش مورد آزمون قرار داد؛ در این مدل مقدار خی‌دو برابر با ۱۶/۴۷۵ محاسبه شد که پس از تقسیم بر درجه آزادی ۲/۳۵۴ محاسبه شد؛ با توجه به اینکه این آماره کمتر از ۳ می‌باشد، نشان دهنده برازش قابل قبول است. ریشه میانگین مربعات خطای اندازه‌گیری باقیمانده (RMSEA)، که به عنوان تابعی از مقدار کواریانس تفسیر می‌شود. انتظار می‌رود برای برازش مناسب مقدار این شاخص کمتر از ۰/۰۸ باشد؛ که در این مدل ۰/۰۷۴ محاسبه شد، که نشان دهنده برازش قابل قبول است. مقدار شاخص برازش بهنجار بنتلر بونت[2] (NFI)، شاخص برازندگی افزایشی[3] (IFI) و شاخص تاکر لوئیس[4] (TLI) و شاخص برازندگی مقایسه‌ای[5] (CFI) همگی نزدیک به

1 . Maximum Likelihood Estimates
2 . Normed fit index (NFI)
3 . Incremental fit index (IFI)
4 . Tucker Lewis Index (TLI)
5 . Ccomparative fit index (CFI)

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

یک می‌باشد. هر چه این شاخص‌ها به یک نزدیکتر باشد برازش مدل بهتر است؛ در نهایت نتایج مربوط به این شاخص‌ها، نشان دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش والدگری مستبدانه بر اختلال سلوک با میانجی‌گری عزت نفس در نوجوانان پسر مقیم کانون اصلاح و تربیت انجام شد. نتایج نشان داد که والدگری مستبدانه به‌طور مستقیم با اختلال سلوک در نوجوانان رابطه دارد. این یافته با نتایج پژوهش پاولی[1] و همکاران (۲۰۲۱)، شونگ و همکاران (۲۰۲۰) و جانسون (۲۰۱۶)، موراتوری[2] و همکاران (۲۰۱۶) و فریز[3] و همکاران (۲۰۱۴) همسو یا است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که والدین سخت‌گیر و مستبد، با انجام رفتارهای محدود کننده راه تعامل را با فرزندان خود کاهش می‌دهند و بدون اینکه نظرات و احساس کودکان مطرح شود برای آن‌ها تصمیم اتخاذ می‌کنند و فرزندان مجبور به اجرای آن‌ها هستند؛ در غیر این صورت تنبیه و مجازات می‌شوند (تامپسون[4] و همکاران، ۲۰۰۳). در والدگری استبدادی، فرزندان قوانین و احکام را بدون چانه زنی می‌پذیرند و تا زمانی که منابع قدرت همچون والدین حضور داشته باشند آن‌ها را اجرا می‌کنند و به محض اینکه نظارتی بر آن‌ها نباشد امکان سرپیچی آن‌ها افزایش می‌یابد (دکوویچ و یانسنس[5]، ۱۹۹۲). بر این اساس می‌توان انتظار داشت که با کاهش نظارت و کنترل والدین نافرمانی و کج روی‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت که والدگری مستبدانه با ایجاد هنجارهای اجباری می‌تواند زمینه ساز رفتارهای ضداجتماعی در مواقعی باشد که نظارت والدین بر فرزندان کمتر می‌شود؛ به ویژه در دوران نوجوانی که گرایش نوجوانان به محیط بیرون و همسالان بیشتر است، رفتارهای ضد اجتماعی و سلوک افزایش پیدا می‌کند.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که والدگری مستبدانه به واسطه عزت نفس پایین با اختلال سلوک رابطه دارد. این یافته با نتایج پژوهش سینگ (۲۰۱۷)، اورس (۲۰۱۷)، موگونی و موگونی (۲۰۱۴)، باری و همکاران (۲۰۰۳)، داس و همکاران (۲۰۱۲) و قنبری هاشم آبادی و مجرد کاهانی (۱۳۹۰) همسو است. در تبیین می‌توان گفت که والدگری مثبت به دلیل وجود احترام و آزادی متعادل نقش موثری بر عزت نفس و احساس ارزشمندی کودکان دارد (موگونی و موگونی، ۲۰۱۴)؛ بر اساس نظریه روانی اجتماعی اریکسون، در طول شش سال اول کودکی، والدین یا مراقبان اصلی، عوامل اجتماعی مهمی هستند که به کودک کمک می‌کنند تا به وظایف مهم رشدی مانند ایجاد حس اعتماد، احساس استقلال و همچنین توانایی های لازم دست یابد. اگر این وظایف محقق نشود، باعث رشد کمتر بهینه کودک و مانع از پیشرفت او به مرحله بعدی رشد می‌شود. همانطور که کودک رشد می کند، او در معرض عوامل اجتماعی بیشتری در خارج از خانه مانند همسالان، معلمان، جامعه قرار می گیرد که به او در دستیابی به سایر وظایف رشدی کمک می کند (مک‌هال[6] و همکاران، ۲۰۰۳). بنابراین طبیعی است که کودکانی که از سنین پایین حمایت، تشویق و فرصت‌هایی برای تجربه موفقیت‌های کوچک در اختیارشان قرار می‌گیرد، درک مطلوبی از خود داشته باشند و عزت نفس قوی پیدا کنند. این نشان دهنده سبک فرزندپروری مقتدرانه است. از سوی دیگر، فقدان حمایت و تشویق والدین، مانند خانواده‌های بی‌توجه یا مستبدانه، می‌تواند منجر به درک پایین فرزندان از خود یا اعتماد به نفس پایین شود.

عزت نفس بالا با منبع ارزیابی درونی مرتبط است، بنابراین افراد دارای عزت نفس بالا کمتر تحت تاثیر نظرات و رفتار دیگران هستند. آنها در هنگام مواجهه با موقعیت‌ها پس از ارزیابی دقیق، با عدم اطمینان بیشتر درگیر حل خلاقانه مسائل و دنبال کردن ایده‌های جدید می‌شوند. از سوی دیگر، افراد با عزت نفس پایین ممکن است از دنبال کردن ایده های جدید و متفاوت بودن به دلیل منبع کنترل بیرونی و نداشتن انگیزه و اعتماد به توانایی خود اجتناب کنند و در نتیجه این امکان وجود دارد که برای جلب توجه نظر همسالان خود دست به

1 Pauli
2 Muratori
3 Freeze
4 Thompson
5 Deković and Janssens
6 McHale

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

رفتارهای مخرب بزنند (پرتز و نلسون[1]، ۲۰۱۷). در تبیین میانجی‌گری عزت نفس در رابطه بین فرزندپروری مستبدانه و مشکلات سلوک می‌توان به دیدگاه بامریند (۱۹۷۱) اشاره کرد، وی معتقد بود که فرزندپروری مستبدانه ترکیبی از کنترل بالا و احترام پایین است؛ در این سبک، والدین بیشترین قدرت و نظارت را بر فرزندان خود دارند و در مقابل به عقاید و نگرش فرزندان کمترین احترام و توجه می‌شود. به عقیده دی‌هارت[2] و همکاران (۲۰۰۶) در این سبک فرزندان، خود را ناتوان و منفعل ارزیابی می‌کنند که می‌تواند پیامد کاهش عزت نفس و خودباوری آن‌ها باشد. همچنین بامریند (۱۹۷۱) اعتقاد دارد که کاهش عزت نفس در سنین کودکی می‌تواند زمینه ساز مشکلات رفتاری باشد و در سنین نوجوانی به سبب پر رنگ بودن نقش همسالان می‌تواند زمینه ساز انحرافات و رفتارهای بزهکارانه باشد. به اعتقاد استمورمشاک[3] و همکاران (۲۰۰۰) فرزندپروری مقتدرانه به سبب حفظ تعادل در میزان احترام ارائه شده و کنترل اعمال شده می‌تواند با پیامدهای رفتاری و هیجانی سالم در کودکان و نوجوانان همراه باشد.

در مجموع می‌توان نتیجه‌گرفت که فرزندپروری مستبدانه به‌طور مستقیم و با میانجی‌گری عزت نفس پایین با مشکلات سلوک در نوجوانان مقیم کانون‌های اصلاح و تربیت رابطه دارد. تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سبک فرزندپروری مستبدانه از طریق عزت نفس بر مشکلات سلوک، با چارچوب نظری و یافته‌های قبلی در مورد تأثیرات بلندمدت والدین بر رشد فرزندانشان مطابقت دارد. حجم نمونه پایین، عدم کنترل متغیرهای مزاحم همچون سابقه طلاق والدین، مدت محکومیت، نوع جرم و سابقه مجکومیت در خانواده، از محدودیت‌های این مطالعه است. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده از نمونه بزرگتری استفاده شود، همچنین نقش متغیرهای مزاحم کنترل شود. در زمینه کاربردی پیشنهاد می‌شود که جهت بهبود مشکلات سلوک نوجوانان بزهکار، آموزش‌های فرزندپروری به والدین نوجوانان آن‌ها ارائه شود و برنامه‌های درمانی جهت بهبود عزت نفس برای نوجوانان بزهکار در مراکز بازتوانی ارائه شود.

## منابع

حسینی دولت آبادی، ف.، سعادت، س.، و قاسمی جوبنه، ر. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴(۲)، ۶۷-۸۸. https://jol.guilan.ac.ir/article_634_174.html

زارعی، ع.، باقرزاده، ر.، غریبی، ط.، و روانی پور، م. (۱۳۹۹). گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان شهر بوشهر و عوامل مرتبط با آن، سال ۱۳۹۸. *طب جنوب*، ۲۳ (۶)، ۵۵۴-۵۶۸. http://ismj.bpums.ac.ir/article-1-1375-fa.html

شکرکن، ح.، نیسی، ع.، و سپهوند، الف. (۱۳۹۱). مقایسه هیجان خواهی، عزت نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی نوجوانان پسر. *مجله دستاورد های روان شناختی*، ۱، ۱۰۴-۱۲۵. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=126006

قنبری‌هاشم آبادی، ب. ع.، و مجرد کاهانی، ا. ح. (۱۳۹۰). اثر بخشی آموزش مهارت ابراز وجود و تفکر انتقادی بر روی بحران هویت پسران تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان کلات. *فصلنامه فرهنگ، مشاوره و رواندرمانی*، ۲(۸)، ۱-۱۶. https://qccpc.atu.ac.ir/article_5935.html

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 5th Edition: DSM-5*. American Psychiatric Association. USA.

Azevedo, J., Vieira-Coelho, M., Castelo-Branco, M., Coelho, R., & Figueiredo-Braga, M. (2020). Impulsive and premeditated aggression in male offenders with antisocial personality disorder. *Plos one*, *15*(3), e0229876. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0229876

Barry, C. T., Frick, P. J., & Killian, A. L. (2003). The relation of narcissism and self-esteem to conduct problems in children: A preliminary investigation. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, *32*(1), 139-152. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1207/S15374424JCCP3201_13

Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental psychology*, *4*(1p2), 1. https://doi.org/10.1037/h0030372

Chan, T. W., & Koo, A. (2011). Parenting style and youth outcomes in the UK. *European sociological review*, *27*(3), 385-399. https://doi.org/10.1093/esr/jcq013

Cherie, A., & Berhanie, Y. (2015). Assessment of parenting practices and styles and adolescent sexual behavior among high school adolescents in Addis Ababa, Ethiopia. *Journal of AIDS and Clinical Research*, *6*(2), 424. https://doi.org/10.4172/2155-6113.1000424

Coopersmith, S. (1967). *The antecedents of self-esteem*. San Francisco: W. H. Freeman & Co.

1 Pretz & Nelson
2 DeHart
3 Stormshak

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

Dadds, M. R., Cauchi, A. J., Wimalaweera, S., Hawes, D. J., & Brennan, J. (2012). Outcomes, moderators, and mediators of empathic-emotion recognition training for complex conduct problems in childhood. *Psychiatry research, 199*(3), 201-207. https://doi.org/10.1016/j.psychres.2012.04.033

DeHart, T., Pelham, B. W., & Tennen, H. (2006). What lies beneath: Parenting style and implicit self-esteem. *Journal of experimental social psychology, 42*(1), 1-17. https://doi.org/10.1016/j.jesp.2004.12.005

Deković, M., & Janssens, J. M. (1992). Parents' child-rearing style and child's sociometric status. *Developmental psychology, 28*(5), 925. https://doi.org/10.1037/0012-1649.28.5.925

Donnellan, M. B., Trzesniewski, K. H., Robins, R. W., Moffitt, T. E., & Caspi, A. (2005). Low self-esteem is related to aggression, antisocial behavior, and delinquency. *Psychological Science, 16*(4), 328–335 https://doi.org/10.1111%2Fj.0956-7976.2005.01535.x

Erentaitė, R., Vosylis, R., Gabrialavičiūtė, I., & Raižienė, S. (2018). How does school experience relate to adolescent identity formation over time? Cross-lagged associations between school engagement, school burnout and identity processing styles. *Journal of youth and adolescence, 47*(4), 760-774. https://doi.org/10.1007/s10964-017-0806-1

Freeze, M. K., Burke, A., & Vorster, A. C. (2014). The role of parental style in the conduct disorders: A comparison between adolescent boys with and without conduct disorder. *Journal of Child & Adolescent Mental Health, 26*(1), 63-73. https://doi.org/10.2989/17280583.2013.865627

Frick, P. J. (2016). Current research on conduct disorder in children and adolescents: state of the science. *South African Journal of Psychology, 46*(2), 160-174. https://doi.org/10.1177/0081246316628455

Ganizadeh, A., Izadpanah, A., & Abdollahi, G. (2007). Scale validation of the strengths and difficulties questionnaire in Iranian children. *Iran J Psychiatry, 2*, 65–71. https://ijps.tums.ac.ir/index.php/ijps/article/view/439

Glass, K., Flory, K., Martin, A., & Hankin, B. L. (2011). ADHD and comorbid conduct problems among adolescents: Associations with self-esteem and substance use. *ADHD Attention Deficit and Hyperactivity Disorders, 3*(1), 29–39. https://doi.org/10.1007/s12402-010-0042-y

Goodman, R. (1997). The Strengths and Difficulties Questionnaire: a research note. *Journal of child psychology and psychiatry, 38*(5), 581-586. https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.1997.tb01545.x

Janssen, H. J., Eichelsheim, V. I., Deković, M., & Bruinsma, G. J. (2017). Sex differences in longitudinal pathways from parenting to delinquency. *European Journal on Criminal Policy and Research, 23*(4), 503-521. https://doi.org/10.1007/s10610-017-9350-5

Johnson, S. A. (2016). Parenting styles and raising delinquent children: Responsibility of parents in encouraging violent behavior. *Forensic Research & Criminology International Journal, 3*(1), 00081. https://doi.org/10.15406/frcij.2016.03.00081

Joseph, R. P., Royse, K. E., Benitez, T. J., & Pekmezi, D. W. (2014). Physical activity and quality of life among university students: exploring self-efficacy, self-esteem, and affect as potential mediators. *Quality of life research, 23*(2), 659-667. https://doi.org/10.1007/s11136-013-0492-8

Martínez, I., García, J. F., & Yubero, S. (2007). Parenting styles and adolescents' self-esteem in Brazil. *Psychological reports, 100*(3), 731-745. https://doi.org/10.2466/pr0.100.3.731-745

Matsuura, N., Hashimoto, T., & Toichi, M. (2010). The characteristics of AD/HD symptoms, self-esteem, and aggression among serious juvenile offenders in Japan. *Research in Developmental Disabilities, 31*(6), 1197–1203. https://doi.org/10.1016/j.ridd.2010.07.026

McHale, S. M., Crouter, A. C., & Whiteman, S. D. (2003). The family contexts of gender development in childhood and adolescence. *Social development, 12*(1), 125-148. https://doi.org/10.1111/1467-9507.00225

Milevsky, A., Schlechter, M., Klem, L., & Kehl, R. (2008). Constellations of maternal and paternal parenting styles in adolescence: Congruity and well-being. *Marriage & Family Review, 44*(1), 81-98. https://doi.org/10.1080/01494920802185447

Moghaddam, M. F., Validad, A., Rakhshani, T., & Assareh, M. (2017). Child self-esteem and different parenting styles of mothers: a cross-sectional study. *Archives of Psychiatry and Psychotherapy, 19*(1), 37-42. https://doi.org/10.12740/APP/68160

Mogonea, F. R., & Mogonea, F. (2014). The role of the family in building adolescents' self-esteem. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 127*, 189-193. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.03.238

Muratori, P., Lochman, J. E., Manfredi, A., Milone, A., Nocentini, A., Pisano, S., & Masi, G. (2016). Callous unemotional traits in children with disruptive behavior disorder: Predictors of developmental trajectories and adolescent outcomes. *Psychiatry research, 236*, 35-41. https://doi.org/10.1016/j.psychres.2016.01.003

Orth, U. (2018). The family environment in early childhood has a long-term effect on self-esteem: A longitudinal study from birth to age 27 years. *Journal of personality and social psychology, 114*(4), 637. https://doi.org/10.1037/pspp0000143

Pauli, R., Tino, P., Rogers, J. C., Baker, R., Clanton, R., Birch, P., & De Brito, S. A. (2021). Positive and negative parenting in conduct disorder with high versus low levels of callous–unemotional traits. *Development and psychopathology, 33*(3), 980-991. https://doi.org/10.1017/S0954579420000279

Pretz, J. E., & Nelson, D. (2017). Creativity is influenced by domain, creative self-efficacy, mindset, self-efficacy, and self-esteem. In The creative self (pp. 155-170). Academic Press. https://doi.org/10.1016/B978-0-12-809790-8.00009-1

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

Robinson, C. C., Mandleco, B., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (1995). Authoritative, authoritarian, and permissive parenting practices: Development of a new measure. *Psychological reports*, *77*(3), 819-830. https://doi.org/10.2466/pr0.1995.77.3.819

Simons, L. G., & Sutton, T. E. (2021). The long arm of parenting: How parenting styles influence crime and the pathways that explain this effect. *Criminology*, *59*(3), 520-544. https://doi.org/10.1111/1745-9125.12285

Singh, S. (2017). Parenting style in relation to children's mental health and self-esteem: A review of literature. *Indian Journal of Health & Wellbeing*, *8*(12), 1-9. http://ischolar.info/index.php/ijhw/article/view/165379

Stormshak, E. A., Bierman, K. L., McMahon, R. J., & Lengua, L. J. (2000). Parenting practices and child disruptive behavior problems in early elementary school. *Journal of clinical child psychology*, *29*(1), 17-29. https://doi.org/10.1207/S15374424jccp2901_3

Thompson, A., Hollis, C., & Richards, D. (2003). Authoritarian parenting attitudes as a risk for conduct problems. *European Child & Adolescent Psychiatry*, *12*(2), 84-91. https://doi.org/10.1007/s00787-003-0324-4

Trzesniewski, K. H., Donnellan, M. B., Moffitt, T. E., Robins, R. W., Poulton, R., & Caspi, A. (2006). Low self-esteem during adolescence predicts poor health, criminal behavior, and limited economic prospects during adulthood. *Developmental Psychology*, *42*(2), 381. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0012-1649.42.2.381

Weisz, J. R., Sandler, I. N., Durlak, J. A., & Anton, B. S. (2005). Promoting and protecting youth mental health through evidence-based prevention and treatment. *American psychologist*, *60*(6), 628. https://doi.org/10.1037/0003-066X.60.6.628

Wells, A. E., Hunnikin, L. M., Ash, D. P., & Van Goozen, S. H. (2020). Low self-esteem and impairments in emotion recognition predict behavioural problems in children. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, *42*(4), 693-701. https://doi.org/10.1007/s10862-020-09814-7

Xiong, R., Li, S. D., & Xia, Y. (2020). A longitudinal study of authoritative parenting, juvenile delinquency and crime victimization among Chinese adolescents. *International journal of environmental research and public health*, *17*(4), 1405. https://doi.org/10.3390/ijerph17041405

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.8.1 ]